

دو فصلنامه علمی - تخصصی معارف رضوی و رسانه

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما دفتر خراسان رضوی

تابستان ۱۳۹۲، شماره ۳، صفحه ۱۲۲

اهل سنت و زیارت امام علي بن موسي الرضا عليه السلام

محسن رجبي قدسي

// چکیده

بر پایه سخنان و سیره امام رضا علیه السلام، دانش و شخصیت ایشان برگرفته از قرآن و سیره رسول خداست. از این رو، همواره امام علي بن موسی‌الرضا علیه السلام، هشتمین امام از ائمه اهل بیت علیهم السلام، مانند دیگر امامان مورد توجه و احترام اهل سنت و جماعت بودند و هستند و آنان نیز ارادت و مودت خود را به ساحت ایشان و دیگر خاندان پاک رسول خدا صلی الله علیه و آله، اعلام و اظهار می‌دارند و به زیارت مرقد مطهر ایشان مشرف میشوند. توجه رسانه ملی به این موضوع و به تصویر کشیدن آن در قالب‌هایی همچون فیلم، مستند و گزارش، میتواند تقریب مذاهب اسلامی و گردشگری مذهبی را گسترش و تداوم بخشد.

کلیدواژگان:

آستان قدس رضوی، حرم مطهر، زائران، عالمان اهل سنت، قزل امام، امام ضامن.

// مقدمه

همه مذاهب اسلامی زیارت مرقد مطهر نبی اعظم صلی الله علیه و آله و دیگر قبور اولیای الهی، را تأکید و سفارش کرده اند. (جزیری، 1986: ج1: 711 - 712؛ مغنیه، 1982: 284؛ سمهودی، 1415: ج4: 1360 - 1364؛ سبکی، ج3: 384 و 412)، ولی در جواز و مشروعیت برخی آداب زیارت، فقهایی مذاهب اسلامی، نظرات مختلفی دارند. (ابن حجر هیتمی، 2000: 114 - 117؛ شهید اول، ج2: 24 - 25) البته این اختلاف محدود به مذاهب عمده فقهی جهان اسلام (امامیه، زیدیه، حنفیه، مالکیه، شافعیه و حنبلیّه) نیست، بلکه میان فقیهان یک مذهب نیز این اختلاف دیدگاه وجود دارد (برای مطالعه مسئله تقریب مذاهب اسلامی نک: (محسنی، 1387؛ واعظ‌زاده خراسانی، 1382: 19 - 50؛ همو، 1379: 327 - 416)).

اصولاً از منظر قرآن حکیم، اختلاف و تفاوت یکی از مظاهر آیات الهی و امری طبیعی است که خداوند حکیم آن را در همه پدیده‌های عالم به وجود آورده است؛ چنان‌که اختلاف شب و روز و اختلاف زبان‌ها و رنگ‌ها و نژادها و قبیله‌ها نشانه‌هایی از حکمت گسست‌ناپذیر خداوند عزیز است که دانایان آن را درمی‌یابند و می‌پذیرند: «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَالْوَأْنِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ» (روم: 22) هدف از این اختلاف و تفاوت: ابتلاء، استیاق در خیرات، رشد و تکامل و شناخت هرچه بهتر رحمت و نعمت‌های الهی و استفاده بهینه از آن است: «لِكَلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مِنْهَا جَاءَ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ، فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ؛ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ»¹.

امام علي بن موسي الرضا علیه السلام بنا بر قول مشهور، در یازدهم ذی‌قعدة سال 148 قمری، در مدینه به دنیا آمد و با بهر مگیری از بینش و منش الهی پدر بزرگوارش امام موسی بن جعفر علیه السلام که برگرفته از قرآن کریم و سیره نبوی بود، رشد یافت. هنوز بیست و اندی از عمر شریفش نمی‌گذشت که در مسجدالنبی در مدینه، به پرسش‌های مردم پاسخ می‌داد و اهل فتوا بود. (سبط ابن جوزی، 1401: 315؛ ابن نجار، 1417: ج4: 134 - 135؛ ابن حجر عسقلانی، 1404: ج7: 239) و اگر عالمی در پاسخ مسئله‌ای خود را ناتوان می‌یافت، همه او را نزد علي بن موسي الرضا علیه السلام می‌فرستادند تا پاسخ خود را بیابد. (مجلسی، 1403: ج49: 100)

امام رضا علیه السلام حامل قرآن کریم و آگاه به سنت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و پیرو آن دو بود و می‌فرمودند: «آنچه را که کتاب خدا و سنت به

درستی آن گواهی دهد، ما گوینده آن هستیم» (ابن بابویه، 1387: 115)؛ «ما پیرو رسول خدا صلی الله علیه و آله و تسلیم اوامر و نواهی آن حضرتیم؛ همچنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله تابع اوامر خدا و تسلیم فرامین او بود. خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا». (همان، 1372: ج 1: 687)

حضرت رضا علیه السلام انس و مجالستی عمیق و دقیق با قرآن کریم داشت. ابراهیم بن عباس صولی می‌گوید: «تا آن زمان فردی عالم‌تر و آگاه‌تر از او، بر آنچه بر روزگار گذشته است، ندیده بودم؛ مأمون با طرح مسائل مختلف و پرسش از هر چیزی ایشان را می‌آزمود و وی پاسخ سؤال‌هایی او را می‌داد. سخنان، پاسخ‌ها و تمثیل‌های [حضرت] رضا همه برگرفته از قرآن و مستند به آن بود. ایشان [گاهی] طی سه شبانه‌روز قرآن را با تلاوتی متدبّرانه ختم می‌کرد». (همان، ج 2: 419 - 420)

رجاء بن ابی ضحاک که مأمور آوردن امام از مدینه به مرو بود، می‌گوید: «به هر شهر و منطقه‌ای که وارد می‌شدیم، مردم آنجا درباره نشانه‌ها و ویژگی‌های دین و دینداری سؤال می‌کردند و ایشان اغلب مسائل آنان را با نقل روایت از پدرش و او از پدرانش از علی از رسول خدا صلی الله علیه و آله پاسخ می‌داد». (همان، 429)

حضرت رضا علیه السلام، قرآن کریم را معیار سنجش حق و باطل و صحت و سقم احادیث می‌دانست و می‌فرمود: «اگر روایات مخالف قرآن باشد من صدور آن‌ها را [از ناحیه رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه اهل بیت علیهم السلام] تکذیب می‌کنم». (کلینی، 1367: ج 1: 96)

// دانش و شخصیت امام رضا علیه السلام از دیدگاه اهل سنت

ائمه اهل بیت علیهم السلام همواره مورد توجه و احترام اهل سنت و جماعت² بوده و هستند و آنان نیز ارادت و مودّت خود را به ساحت پاک خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام او اعلام و اظهار می‌دارند. البته حساب حاکمان ستمگر بنی‌امیه و بنی‌عباس و ناصبی‌ها از اهل سنت و جماعت جداست؛ زیرا آنان علاوه بر ستم‌های فراوانی که به ائمه طاهرین روا داشتند، هر صحابی، تابعی و عالم آزاداندیشی را نیز تحت فشار قرار می‌دادند. چنان که ابوحنیفه (150 ق) امام و پیشوای حنفیان به علت حمایت مالی از قیام زید بن علی فرزند امام سجاد علیه السلام در سال 121 و 122 ق و پذیرفتن منصب قضا، در زمان حکومت مروان دوم، در سال 129 ق مجبور شد کوفه را ترک کند و دو سال آخر حکومت امویان را در مکه بگذراند. همچنین او با سقّاح، اولین خلیفه عباسی بیعت نکرد و چون از قیام ابراهیم بن عبدالله حسنی در بصره بر ضد خلافت منصور حمایت کرد و مردم را به یاری ابراهیم فراخواند و منصب قضا را که از سوی منصور به او پیشنهاد شد، پذیرفت، منصور عباسی را بر آن داشت که او را در بغداد، زندانی کند که پس از چند روز حبس در همان جا درگذشت. (پاکتچی، 1372: ج 5: 381)

// ابن‌راهویه (238 ق)

فقیه، محدث و مفسر قرآن مجید، مصاحب و هم‌تراز امام محمد بن ادریس شافعی بود که محدثان بزرگی چون بخاری، مسلم، نسائی و امام احمد بن حنبل از او حدیث شنیده و در کتب خود نقل کرده‌اند. (رفیعی، 1374: ج 3: 540)

در سال 200 هجری قمری که امام رضا علیه السلام به حوالی نیشابور رسید، ابن‌راهویه و چند تن دیگر از بزرگان و مشایخ نیشابور،³ به همراه هزاران تن از مردم آن شهر تا روستای مؤدیه در بیرون شهر به استقبال امام رفتند. ابن‌راهویه به نشانه مودت و احترام، مهار مرکب امام رضا علیه السلام را به دوش کشید و گفت: «به روز قیام [ت نزد] ملک عالم جلّ جلاله وسیله نجات و وسیله فلاح من این است که روزی در دنیا خادم و مهارکش مرکب حضرت سلطان [امام رضا علیه السلام] خود بوده‌ام». (حاکم نیشابوری، 1375: 208)

// حاکم نیشابوری (405 ق)

محدث، قاضی و فقیه مشهور شافعی در معرفی امام رضا علیه السلام می‌نویسد: «امیرالمؤمنین علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی‌طالب (رضی الله عنهم) الرضا ابوالحسن الامام الشهيد (همان، 91)... سلطان اولیا،⁴ برهان اتقیا،⁵ وارث علوم المرسلین، مهبط اسرار ربّ العالمین،⁶ ولی الله،⁷ صفی الله،⁸ قلّذ کبد رسول الله،⁹ غوث الامّة و کشف الغمّة...¹⁰ سلطان المقرّبین يوم الحشر و الجزاء الامام ابوالحسن علی بن موسی الرضا صلوات الله و سلامه علی رسول الله و علی آله الائمة المعصومین و اتباعهم اجمعین الی يوم الدین». (همان، 207)

// ابن‌اثیر (604 ق)

ابوالسعادات مجدالدین مبارک بن محمد شیبانی مشهور به ابن‌اثیر، رجالی، مفسر، محدث و فقیه شافعی، فضایل ابوالحسن علی بن موسی الرضا را غیرقابل شمارش می‌داند. (ابن‌اثیر، 1412: ج 2: 715)

// ابن‌طلحه (652 ق)

شاعر، قاضی و فقیه شافعی در بیان مناقب امام رضا علیه السلام چنین می‌آورد: «کسی که در شخصیت ایشان تأمل کند، درمی‌یابد علی بن موسی به حق، وارث امیرالمؤمنین علی و زین العابدین علی بن الحسین است... ایمان آن حضرت، بالنده؛ برهانش آشکار و روشن؛ یارانش بسیار؛ استعداد و توانش، گسترده و استوار؛ والامقام، بلندپایه، عزیز، محبوب، نیرومند و بانفوذ است.

فضایل و سیرت و منش او والا و شکوهمند، صفات و شخصیت او درخشان و نورانی و مکارم اخلاق و خصلت‌های ایشان، پیامبرگونه است. کرامت، شرافت و سخاوت جزو ذات و اصالت اوست. هر آنچه از امتیازات ایشان شمارش شود، باز هم کم گفته شده و والا تر از آن است و هر اندازه از مناقب آن حضرت گفته و تبیین شود، رتبه و درجه ایشان بالاتر از آن خواهد بود». (ابن‌طلحه، 1419: 295)

// جوینی خراسانی (703 ق) ¹¹

وي در بيان مناقب امام ثامن، حضرت رضا عليه السلام را آشکارکننده اسرار و هویداگر امور ناشناخته، سرچشمه کرامت و برکت و فرخندگی که فرهیختگان و خجستگان از او پیروي ميکنند، می‌داند؛ شاکله شخصیتش استوار، مرقدش رفیع، بسیار بخشنده و با سخاوت، ریزش ابر وجودش فراگیر، الطافش خلل‌ناپذیر، حمایت و پناهش بسیار، امیر بزرگان، نور چشم آل یاسین و خاندان عیدمناف، پاک و معصوم، آگاه به حقایق علوم و دانا به رموز اسرار مکتوم و خبردهنده از آینده و گذشته و آنچه منقضي گشته، مورد رضایت خداوند سبحان و در همه احوال از او راضی؛ از این‌رو، علی بن موسی - که درود خداوند بر محمد و خاندان او باد - به «رضا» ملقب گردید. (جوینی خراسانی، 1400: ج2: 187)

// ابن صباغ مالکی (855 ق)

ابن صباغ، محدث و فقیه مالکی، به نقل از برخی پیشوایان اهل علم آورده است: «مناقب علی بن موسی الرضا از ارجمندترین و فراترین مناقب، و فضایل و کرامات او متوالی و بدون گسست، و دوستی و پیوستگی با ایشان مورد ستایش و پسند همگان است؛ ویژگی‌های شگفت‌انگیز او بی‌نظیر و سیادت و سرپرستی، و شرافت و نجابتش در اوج است؛ دوستدارنش طالع سعادت را یافته‌اند و مخالفان و معارضانش دچار نحوستی فراگیرند. شرف پدرانش از صبح روشن، شهیرتر و از خورشید گرد تابان، درخشندتر؛ اخلاق و سیرت و صفات و بینش و منش و نشانه‌های او تو را از هرگونه فخر فروشی باز می‌دارد و تبار والای او تو را به روش و شیوه‌ای که از پدرانش به ارث برده و فرزندانش میراثدار اویند، رهنمون می‌شود. همه آنان در کرم و سخاوت و پاکي و طهارت جسم و روح مانند دندان‌های شانه متعادل و برابرند. عزت و افتخار نصیب اهل بیت والامقام و عالی‌تبار است که ستاره علو و بزرگی آنان بر همه ستارگان آسمان، اشراق و برتری دارد. اهل بیت مزین و آراسته به تمامی صفات کمالند... و به مرتبه‌ای از مجد و تعالی رسیده‌اند که کسانی که از آنان عقب بیفتند و یا جلوتر بروند، ساقط و بی‌اعتبار خواهند شد. دشمنان اهل بیت در کاستن از مرتبه و منزلت آنان بسیار تلاش کرده‌اند و بر مرکبی سخت سوار شده‌اند [تا بتوانند] به تدریج محاسن و یکپارچگی آنان را متزلزل و پراکنده کنند، ولی خداوند ایشان را رفعت و علو بخشید و آنان را جمع و متحد ساخت. دشمنان چه بسیار حقوق اهل بیت را ضایع و تباه ساختند، در حالی که خداوند در رعایت حقوق آنان هیچ اهمال و سستی نرورزید». (ابن صباغ مالکی، 1385: 402)

// فضل‌الله بن روزبهان خنجی (927 ق)

وي ارادت و مؤدّت خویش را به امام رضا عليه السلام این‌گونه بیان می‌کند: «آن حضرت، امام به حق است بی‌خلاف؛ و مناقب و فضایل آن حضرت را نه‌ای‌تی نیست... کلمات و مناقب و فضایل آن حضرت، بسیار ظاهر و مشهور و معروف بود و همه طوایف امت از عرفا و علما و حکما از علوم آن حضرت بهره می‌برده‌اند و آثار امامت و وارثت نبوت و وصایت در آن حضرت ظاهر بوده... آن حضرت مهتر نیکوخال نیکوکار نیکوسیرت است... آن حضرت جامع انواع محاسن صوری و معنوی و مکارم خلقي و خلقي بود و گویا نیکویی، صفت ذات اوست و احسان، صناعت و پیشه او؛ و آن حضرت سند و برهان است که به مردمان قائم گشته جهت اظهار حق؛ و آن حضرت حجت خدای تعالی است بر انس و جان... آن حضرت صاحب جود و مروت و نیکوکاری است... در او درخشنده است انوار حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله نزد چشم عیان؛ یعنی ارباب معاینه می‌دانند که انوار حضرت نبی بر سیمای مبارک آن حضرت ظاهر است و این اشارت است بدان که آثار جمال و کمال حضرت نبی صلی الله علیه و آله از صفحات و وجنات آن حضرت ظاهر و باهر بوده... آن حضرت آیات توحید را بر مردمان مبین گردانیده و اعلام ایمان از اعلام و تعلیم آن بر مردمان ظاهر شده... آن حضرت، رونده است بر بالاترین درجه‌های علم و عرفان... چنانچه روایت کرده‌اند که جمیع طوایف از ارباب علم و معرفت از آن حضرت استفاده می‌کرده‌اند و مشکلات از آن حضرت می‌پرسیدند؛ فقها، مشکلات فقه و دقایق آن را از آن حضرت می‌آموخته‌اند؛ و اطباء معضلات علم آبدان را از فواید مجلس آن حضرت اندوخته؛ و حکما، معارف الهی و طبیعی از مقتبسات انوار آن حضرت استکشاف می‌کرده‌اند و عارفان، آداب طریق حقیقت و اسرار مکاشفات از اطوار سلوک آن حضرت می‌یافته‌اند... آن حضرت اقتداکننده است به رسول الله صلی الله علیه و آله در هر حالی و در هر کاری و شأنی که آن حضرت را پیش آمده». (ابن روزبهان، 1384: 211 - 223)

// محیی‌الدین لاری (933 ق)

او پس از اشعاری در مدح خلفای نخستین، آورده است:

چون‌که علی داشت به خاک انتساب

کرد نبی کُنیت او بو تراب

وَه که از آن خاک چه گل‌ها دمید

نکھت جاوید به عالم وزید

سنبل و گل را به چمن زیب و زین

موی حسن آمد و روی حسین

آن دو نه‌الند که تا روز دین

بارورند از گل و از یاسمین

هر دم از این باغ بري مي‌رسد

تاز متر از تاز متري مي‌رسد

آن ده و دو همچو بروج فلک

نظم جهان داده سما تا سمک

باز دمید از چمن او گلي

کامده روح قُدُسش بليلي

خاک خراسان شده زو مشکبو

خلق به آن بو شده در جست وجو

دم چه زنم از صفت بي‌حدش

داده پيمبر خبر از مرقدش [13](#)

خلق محمد کرم مرتضي

هر دو عيان ساخت علي الرضا

هر که به آن سلسله پيوسته شد

از ستم حادثه وارسته شد

من که در آن روضه رياضت کشم

ز آن گل و گلزار ببوي خوشم

(لاري، 1366، 27 - 28).

// خواندمير (942 ق)

او در تاريخ حبيب السیر مي‌نويسد: «اقارب و اجانب از مشرق تا مغرب بر وفور علّوشان و سُمّو مکان آن امام و افراسان، اعتراف داشته‌اند و دارند و اقاصي و اداني، بلکه جميع افراد انساني مناقب و مفاخر آن حميده مآثر را بر صحايف ضماير نگاشته‌اند و مي‌نگارند؛ کرامتش از هرچه تصور توان کرد بيشتر بود و امامتش به موجب نصّ آباي بزرگوارش معين و مقرر». (1353، ج 2: 83)

// يوسف بن اسماعيل نبهاني شافعي (1350 ق)

وي امام علي بن موسي الرضا عليه السلام را از بزرگان ائمه و چراغهاي [هدايت] امت از اهل بيت عليهم السلام نبوت معرفي مي‌کند که معدن علم و عرفان و کرم و جوانمردي است. آن حضرت، جايشگاه والايي دارد و نام ايشان شهره آفاق و صاحب کرامات بسياري است. (عطايي، 1388: 53، به نقل از: جامع کرامات الاولياء: ج 2: 211)

// سيد محمدطاهر هاشمي شافعي (1412 ق)

او که نسبش از طريق ابويزيد برزنجي به امام کاظم عليه السلام مي‌رسد و اهل روانسر کرمانشاه است، در پايان نگارش کتاب مناقب اهل البيت از ديدگاه اهل سنت (1378: 453) به تاريخ دوازدهم ذي‌الحجه 1409 مي‌نويسد: «اگر بخواهم لذت‌هاي روحي و فيوضات و برکات و جذبات و سرور و شوق و شور حالاتي را که در اثناء تأليف اين کتاب مستطاب به اين فقير مذنب ارزاني مي‌شد بازگويم الحق بيان و بنان از تقرير و تحرير کيفيت‌هاي روحي و معنوي و عرفاني عاجز است، حق سبحانه و تعالي آن نعمت را بر اين اضعف احقر مداوم دارد بمئه و سعة فضله».

// اهل سنت و زيارت مرقد مطهر امام رضا عليه السلام

پس از این که خبر ولایت‌عهدي امام رضا علیه السلام در 25 ذیحجه سال 201 هجري قمری به مردم بغداد اعلام شد، «گروهی [آن را] پذیرفتند [ولی]، خاندان بنی‌عباس و طرفدارانشان در بغداد از ولایت‌عهدي امام رضا علیه السلام اظهار ناخشنودی و از بیعت به نام آن حضرت و پوشیدن لباس سبز خودداری کردند. آنان این امر را نقشه و دسیسه فضل بن سهل، وزیر مأمون، برای بیرون کردن خلافت از عباسیان می‌دانستند... از این رو، روز یکم (پانجم) محرم 202 هجري قمری با ابراهیم بن مهدی عباسی معروف به ابن‌شکله که عموی مأمون و مردی آواز مخوان و عودنواز و می‌خواره بود، بیعت کردند و او را مبارک نامیدند و مأمون را [از خلافت] خلع نمودند. [در پی این ماجرا] هرج و مرج در دیگر ولایات و سرزمین‌های خلافت به اوج رسید.

حضرت رضا علیه السلام که ادامه این وضعیت را به صلاح امت اسلامی نمی‌دانست، در پی تقاضای جمعی از امرای لشکر، در اقدامی صادقانه مأمون را از جنگ و آشوبی که مردم... به آن گرفتار بودند خبر داد» (ناجی، 1387: 49 - 50)؛ و به وی گفت که فضل بن سهل، اخبار بغداد و نارضایی مردم از ولایت‌عهدي آن حضرت را از خلیفه مخفی می‌کند. مأمون پس از تحقیق در این باره به عزم آرام ساختن اوضاع عراق از مرو رهسپار بغداد شد. فضل بن سهل که نمی‌خواست مأمون را در این سفر همراهی کند با تعهدنامه‌ای که مأمون به او داد، همراه شد، ولی در حمام سرخس به قتل رسید.

«مأمون پس از آن، امام رضا علیه السلام را سخت تحت نظر قرار داد و به بهانه این که امام رضا علیه السلام مشغول عبادت و نماز است، از رفت‌وآمد مردم و دیدار آنها با آن حضرت جلوگیری کرد». (همان، 53)

امام در طوس، پس از سه روز و به قولی دوازده یا سیزده روز بیماری، بنا بر مشهور در آخر صفر سال 203 هجري قمری درگذشت. اغلب مورخان، علت درگذشت امام را مسمومیت با انگور یا اناری که مأمون زهرآلود کرده بود، دانسته‌اند. (همان، 55) روز بعد از شهادت امام، مردم طوس (نوقان) اجتماع کرده بودند و می‌گفتند که مأمون، امام را ناجوانمردانه کشته است. مأمون از محمد بن جعفر صادق، عموی امام رضا علیه السلام خواست تا مردم را آرام کند و بگوید که ابوالحسن امروز تشییع نمی‌شود. چون مردم پراکنده شدند، به دستور مأمون پیکر مطهر امام را شبانه غسل دادند و کفن کردند. (ابن بابویه، ج 2: 589 - 591) و در باغ و سرای حمید بن قحطبه در قریه سناباد از توابع نوقان طوس، در کنار قبر هارون‌الرشید (193 ق) به خاک سپردند. (همان، ج 1: 34)

بر پایه گزارش‌های تاریخی، زیارت مرقد مطهر امام رضا علیه السلام پس از شهادت آن حضرت به تدریج مورد توجه عموم مسلمانان اعم از شیعی و سنی قرار گرفت.

// ابن‌خزیمه (311 ق) و ابوعلی ثقفی (328 ق)

حاکم نیشابوری می‌گوید: «از ابوبکر محمد بن مؤمل بن حسن بن عیسی شنیدم که می‌گفت: با پیشوای اهل حدیث ابوبکر بن خزیمه¹⁴ و هم تراز او ابوعلی ثقفی¹⁵ و گروهی از استادانمان برای زیارت مرقد علی بن موسی‌الرضا - در حالی که آنان بسیار به زیارت مرقد آن حضرت می‌رفتند - [از نیشابور] - به سمت طوس خارج شدیم. در آنجا چنان تواضع و احترام و تعظیم و تضرعی از ابن‌خزیمه نسبت به آن بقعه دیدم که همه را شگفت‌زده کرد (ابن حجر عسقلانی، 1404، ج 7: 339) به طوری که عده‌ای از خاندان سلطان، آل شاذان ابن‌نعیم و آل شنفشین و گروهی از علویان نیشابور، هرات، طوس و سرخس نیز که در شاهد این نحوه زیارت بودند، شادمان شدند و به شکرانه آن صدقه دادند و همگی می‌گفتند: «اگر این امام [ابن‌خزیمه] آنچه را در آداب زیارت انجام داد، سنت و فضیلت نمی‌دانست آنها را به جا نمی‌آورد». (جوینی خراسانی، 1404: ج 2: 198)

// ابن حبان بُستی (354 ق)

محدث، مورخ، لغوی، قاضی و فقیه شافعی¹⁶ در کتاب الثقات (1393: ج 8: 456 - 457) آورده است: «علی بن موسی‌الرضا از عقلاء بزرگان و خردمندان اهل بیت و بنی‌هاشم است... مرقد ایشان در سناباد، خارج از نوقان، در کنار قبر هارون‌الرشید، مشهور و معروف است و مردم به زیارت آن می‌روند. من نیز فراوان آن را زیارت کرده‌ام. وقتی در طوس بودم هر مشکلی که بر من وارد می‌شد، به زیارت مرقد علی بن موسی‌الرضا - که درود خدا بر او و جنش باد - می‌رفتم و از خداوند حل آن را می‌خواستم و خداوند نیز دعایم را استجاب می‌کرد و آن سختی از من برطرف می‌شد. این کار را به دفعات تجربه کردم و جواب گرفتم. خداوند ما را با محبت رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت او بمیراند».

// گزارش مقدسی¹⁷ (375 ق)

وی که در عهد سامانیان (279 - 389 ق) به خراسان سفر کرده است، به نقل از برخی پیران «نَسَا» می‌آورد: «مردم طوس در دو جهان پیش هستند؛ در دنیا از آن روی که پیش از دیگر مردم خراسان به اسلام گرویدند، در آخرت نیز از آن روی که خدا می‌گوید: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ». (اسراء: 71) علی [بن موسی] الرضا یکی از فاضل‌ترین امامان بود که نزد ایشان است.» (مقدسی، ج 2: 468) بر پایه گزارش مقدسی، مردم طوس در آن دوره اغلب شافعی‌مذهب بودند. (همان، 474)

با آن که امیران سامانی، غالباً پیرو مذهب حنفیه بودند، (ناجی، 400) ولی به آبادانی بارگاه رضوی و زیارت آن اهتمام داشتند. مقدسی گزارش می‌کند: «قبر علی‌الرضا در طوس است و دژی برای آن ساخته شده که خانه‌ها و بازارها دارد. عمیدالدوله فاتق (389 ق) [از سرداران سامانی] نیز مسجدی برایش ساخت که در همه خراسان به از آن نیست». (مقدسی، ج 2: 488؛ نیز نک: ابن‌بابویه، ج 2: 706)

// ابو منصور محمد بن عبدالرزاق طوسی¹⁸ (350 ق)

شیخ صدوق (381 ق) به نقل از ابو منصور محمد بن عبدالرزاق طوسی، چنین آورده است: «در ایام جوانی بر اهل مشهد [الرضا] سخت می‌گرفتم و در راه متعرض زائران شده، اموال آنان را می‌ربودم. روزی به قصد شکار خارج شدم و تازی (سگ شکاری) خود را در پی آهوئی فرستادم. آهو پس از فرار به دیوار مزار [حضرت رضا علیه السلام] پناه برد و همان‌جا ایستاد. تازی نیز در مقابل او ایستاد و به او نزدیک نمی‌شد. هرچه کوشش کردیم، تازی به او نزدیک نشد، نمی‌شد، ولی تا آهو از آن دیوار دور می‌شد، تازی او را دنبال می‌کرد تا این که آهو وارد یکی از حجره‌های آن سوی دیوار مزار شد. من وارد رباط [صحن و سرای مرقد مطهر] شدم و از ابونصر مرقی پرسیدم، آهوئی که اکنون وارد این مکان شده، کجاست؟ او گفت: آن را ندیدم. وارد راهرو شدم، ولی جز پشگل و اثر بُول آهو، چیزی در آنجا ندیدم. با خداوند عهد و نذر کردم که از آن پس نه تنها به زوار آزار نرسانم، بلکه نیازهای آنان را برآورم. از آن زمان، هرگاه امر مشکلی و دشواری به من روی می‌آورد، به این مشهد [مرقد] پناه می‌برم و آن را زیارت می‌کنم و از

خداوند متعال برآورده شدن حاجتم را می‌خواهم، خدا نیز حاجتم را برمی‌آورد... و این از برکت این مشهد است». (ابن‌بابویه، 1373: ج 2: 701 - 702)¹⁹

وی همچنین به حاکم طوس، معروف به «بیوردی» که فرزند نداشته، گفته است: «چرا به مشهدالرضا نمی‌روی و در آنجا دعا نمی‌کنی که خداوند به تو فرزندی عنایت کند. من خود خواسته‌هایی داشتم که در آنجا از خداوند درخواست کردم و اجابت شد. حاکم می‌گوید من به مشهد رفتم و نزد مرقد رضا دعا کردم تا خداوند فرزندی به من دهد. پس از آن، خداوند فرزند پسری به من عنایت کرد. ابومنصور پس از شنیدن خبر استجابت دعای من، مرا انعام و اکرام کرد». (همان، ج 2: 686 - 687)

// ابوبکر حمّامی فراء

وی که از اصحاب حدیث است، می‌گوید: «مالي را که برخی مردم به من ودیعت نهاده بودند در ناحیه «سکه الحرب» نیشابور پنهان کردم، ولی مکان آن را فراموش کردم، گروهی را دیدم که به زیارت مزار علی بن موسی الرضا می‌رفتند. من نیز با آنان به مشهدالرضا آمدم و مرقد [حضرت] رضا را زیارت کردم و از خداوند خواستم که مکان اموال را به من نشان دهد.

در آنجا محل اختفای آن اموال به من الهام شد. پس از بازگشت نشانی مکان را به صاحب اموال دادم و او اموال خود را پیدا کرد. از آن پس آن مرد این واقعه را برای مردم تعریف می‌کرد و آنان را به زیارت مشهدالرضا ترغیب می‌نمود». (همان، 688)

// ابونصر مؤذن نیشابوری

شیخ صدوق و جوینی خراسانی (730 ق) به نقل از ابونصر مؤذن نیشابوری آورده‌اند که گفت: «به مرض سختی مبتلا شدم به طوری که نمی‌توانستم سخن بگویم، به ذهنم خطور کرد که به زیارت [حضرت] رضا علیه السلام روم تا در آنجا با دعا و توسل، آن امام را به درگاه خداوند شفیع آورم تا خداوند عافیت و سلامتی را به من بازگرداند. پس بر مرکب سوار شدم و به قصد زیارت مشهد [الرضا] حرکت کردم، در بالاسر مرقد [حضرت] رضا دو رکعت نماز خواندم و سجده کردم و در دعا و تضرع صاحب این قبر را شفیع قرار دادم تا خداوند گره زبانم را بگشاید؛ در سجده به خواب رفتم و دیدم که گویا قبر شکافته شد و مردی سالخورده و بسیار گندمگون از آن بیرون آمد و به من نزدیک شد و گفت: ای ابانصر بگو: «لا اله الا الله»؛ اشاره کردم که چگونه بگویم در حالی که زبانم بسته است و یارای تکلم ندارم؟! با صدای بلند به من گفت: قدرت خداوند را انکار می‌کنی؟ بگو: «لا اله الا الله» زبانم باز شد و گفتم: «لا اله الا الله» پای پیاده به منزل برگشتم و دیگر هیچگاه به آن مرض مبتلا نشدم». (ابن‌بابویه، ج 2: 695 - 696؛ جوینی خراسانی، ج 2: 218)

// حاکم نیشابوری (405 ق)

او می‌نویسد: «خداوند کرامات بسیاری از تربت حضرت رضا علیه السلام را به من شناسانده است. از جمله به علت سرمای شدید، راه رفتن برایم بسیار سخت بود، به زیارت رفتم و از آنجا با کفشی از جنس کرباس به نوقان برگشتم. فردای آن روز، درد پای من از بین رفت و سالم به نیشابور برگشتم». (جوینی خراسانی، ج 2: 220)

// ابوالحسین محمد بن علی بن سهل

وی که فقیه است، می‌گوید: «هر امر مهم دینی یا دنیایی که برایم پیش می‌آید برای حلّ آن به زیارت قبر [حضرت] رضا علیه السلام می‌روم و نزد قبر دعا می‌کنم و خداوند نیز حاجتم را برآورده می‌سازد و در آن گشایش ایجاد می‌کند». (همان)

// ابوالحسین بن ابی بکر فقیه

او نیز گفته است: «خداوند همه خواسته‌های مرا نزد مشهدالرضا اجابت کرده است. از جمله از خداوند خواستم فرزندی به من عنایت کند که خداوند آن را به من روزی کرد». (همان)

حاکم نیشابوری به نقل از علی بن محمد بن یحیی و او به نقل از ابوالفضل بن ابی نصر صونی به نقل از محمد بن ابی علی صائغ آورده است که گفت: «از مردی نزد مرقدالرضا علیه السلام - که اسم او را از یاد برده‌ام - شنیدم که می‌گفت: من در شرف قبر و صاحب آن مردم بودم و در قلبم نسبت به بعضی از آنچه در شرافت آن [حضرت] گفته می‌شد حالت انکار، خلجان می‌کرد. پس به مصحف تفال زدم آیه [53 سوره یونس] سه بار آمد: «وَيَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقُّ هُوَ قُلْ إِي وَ رَبِّي إِنَّهُ أَحَقُّ». (جوینی خراسانی، ج 2: 218)

// امام محمد غزالی (505 ق)

وی متکلم، حکیم و عارف ایرانی و فقیه شافعی است که به سال 503 ق، در پاسخ یکی از پادشاهان سلجوقی که از وی خواسته بود تا به دربار وی بیاید، درباره گذشته‌اش چنین نوشت: «و بیست سال در ایام سلطان شهید - ملک‌شاه 20 - روزگار گذرانید و از وی به اصفهان و بغداد اقبال‌ها دید و چند بار میان سلطان و امیرالمؤمنین [خلیفه عباسی] رسول بود در کارهای بزرگ؛ و در علوم دین نزدیک به هفتاد کتاب تصنیف کرد؛ پس دنیا را چنان که بود، دید، جملگی ببنداخت و مدتی در بیت‌المقدس و مکه مقام کرد و بر سر مشهد ابراهیم خلیل علیه السلام عهد کرد که پیش هیچ سلطانی نرود و مال سلطان نگیرد و مناظره و تعصب نکند و اکنون دوازده سال است تا بدین عهد وفا کرد و امیرالمؤمنین و دیگر سلاطین او را معذور داشتند. اکنون شنیدم که از مجلس عالی اشارتی رفته است به حاضر آمدن. فرمان را به مشهد رضا علیه السلام و نگاهداشت عهد خلیل را به لشکرگاه نیامدم و بر سر این مشهد می‌گویم که

اي فرزند رسول! شفيع باش تا ايزد تعالي ملك اسلام را در مملكت دنيا از درجه پدران خویش بگذارند و در مملكت آخرت به مرتبه سليمان عليه السلام رساند كه هم ملك بود و هم پيغمبر». (همایي، 127)

// سنایی غزنوی (535 ق)

سنایی شاعر، حکیم و عارف مشهور ایران‌زمین در مدح امام رضا علیه السلام و زائران مرقد مطهر آن حضرت چنین سروده است: (دیوان سنایی، 451 - 452):

دین را حرمی‌ست در خراسان

دشوار تو را به محشر آسان

از معجزه‌های شرع احمد

از حجت‌های دین یزدان

همواره رهش مسیر حاجت

پیوسته درش مشیر غفران

چون کعبه پرآمی ز هر جای

چون عرش پر از فرشته هزمان

هم فرّ فرشته کرده جلوه

هم روح وصی درو بهجولان

از رفعت او حریم مشهد

از هیبت او شریف بنیان

از دور شده قرار زیرا

نزدیک بمانده دیده حیران

از حرمت زائران راهش

فردوس فدای هر بیابان

قرآن نه درو و او اولوالامر

دعوی نه و با بزرگ برهان

ایمان نه و رستگار ازو خلق

توبه نه و عذرهای عصیان

از خاتم انبیاء درو تن

از سید اوصیاء درو جان

آن بقعه شده به پیش فردو

آن تربیه به روضه کرده رضوان

از جمله شرطهای توحید

از حاصل اصل‌های ایمان

ز این معنی زاد در مدینه

این دعوی کرده در خراسان

در عهده موسی آل جعفر

با عصمت موسی آل عمران

مهرش سبب نجات و توفیق

کینش مدد هلاک و خذلان

// منتجب‌الدین جوینی (پس از 552 ق)

او که از دبیران مقرب سلطان سنجر سلجوقی (حکومت 511 - 552 ق) و رئیس دیوان انشایی اوست، در عتبه الکتابه صفحه 3 - 4 می‌نویسد: «و در آن اجتبیاز [عبور] گذر بر مشهد مقدس معظم مطهر رضوی - علی ساکنه الصلوة و السلام - بود به طوس چون آنجا نزول افتاد حالی چنان که واجب باشد به ترتیب آن زیارت مغتنم کردم و از سر نیازی و خضوعی و تضرعی که حال اقتضا کرد حاجت خواستم تا ایزد تعالی... ذهن و خاطر را نکایی و صفایی کرامت کند... دانستم که استحسان اثر برکات و میامن آن بقعه شریف است و از کرامات آن سید بزرگوار - علیه و علی آبانه السلام». وی در رقیه القلم، جلد 1 صفحه 78 - 79، به نقل از جعفریان، «شماری از زائران سنی امام رضا علیه السلام تا قرن ششم» به مشکلی دیگر اشاره کرده و گفته است: «من از غایت ضجرت و تنگدلی به مشهد مبارک امیرالمؤمنین علی بن موسی‌الرضا رفتم و از روح پاک او استمداد طلبیدم و به تضرع و ابتهال در آن موقف متبرک بنالیدم و تسهیل این شیوه از حضرت احدیت درخواستم. آفرینگار - سبحانه و تعالی - دعای مرا اجابت گردانید».

// ابوالحسن محمد بن قاسم فارسی

شهاب‌الدین ابوسعید عبدالملک بن سعد بن عمرو بن ابراهیم در نزهه الاخیار آورده که از شیخ زکی ابوالفتح محمد بن عبد‌الکریم بن منصور بن غلان شنیده است که گفت: «از شیخ ابوالحسن محمد بن قاسم فارسی در نیشابور شنیدم که می‌گفت: من کار کسانی را که قصد زیارت مشهد [الرضا] داشتند نمی‌پسندیدم و جایز نمی‌دانستم و بر آن اصرار می‌ورزیدم تا این که شبی در خواب دیدم که در طوس در مشهد [الرضا] هستم و رسول خدا صلی الله علیه و آله پشت صندوق قبر ایستاده در حال نمازند. پس صدایی را از بالا شنیدم که می‌سرود: «هر کس دوست دارد قبری را ببیند که اگر آن را زیارت کند، خداوند او را از سختی‌ها و بلاها نجات بخشد به زیارت این قبر بیاید؛ [زیرا] خداوند سلاله‌ای برگزیده از رسول خدا را در آن سکنا و آرامش بخشیده است. و به رسول‌خدا صلی الله علیه و آله اشاره می‌کرد.

عرق‌ریزان از خواب بیدار شدم. خدمت‌کارم را صدا زدم که مرکبم را فوراً آماده کند. بلافاصله به زیارت رفتم و از آن موقع سالی دوبار به زیارت می‌روم». (جوینی خراسانی، ج 2: 197)

// گزارش کلاویخو (814 ق)

کلاویخو، سفیر هانری سوم، پادشاه کاستیل اسپانیا که در سال 806 ق عازم دربار تیمور در سمرقند است، می‌نویسد: «مشهد شهر عمده زیارتی همه این حوالی است و سالانه گروه بی شماری به زیارت آن می‌آیند. هر زائری که به آنجا رفته باشد چون بازگردد همسایگانش نزد او می‌آیند و لبه قبای او را می‌بوسند... چون به این شهر رسیدیم ما را برای زیارت این مکان مقدس و آرامگاه بردند. سپس چون در ایران راه می‌پیمودیم و بر سر زبان‌ها افتاده بود که ما به زیارت مشهد مشرف شده و آن مکان مقدس را دیده‌ایم مردم همه می‌آمدند و لبه قبای ما را بوسه می‌زدند». (کلاویخو، 192 - 193)

// گزارش میرخواند (903 ق)

وی در تاریخ روضة الصفا، جلد 3 صفحه 2103 چنین می‌نویسد: «مشهد مقدس و مرقد این امام علی الاطلاق، مرجع ایران و مقصد سالکان اکابر و اصاغر آفاق است، طوایف امم و طبقات بنی‌آدم از اقصادی روم و هند از جمیع مرز و بوم، هر ساله مهاجرت اوطان و مفارقت خلان اختیار کرده و روی توجه به این آستان فرخنده نشان نهاده و مراسم زیارت و طواف بجا می‌آورند؛ این موهبت عظمی را سرمایه سعادات دنیا و عقبی می‌دانند».

// فضل‌الله بن روزبهان خنجی (927 ق)

وی که در سال 909 ه. ق در کاشان به سر می‌برد، در مقدمه کتاب وسیلة الخادم الی المخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم درباره زمینه نگارش این کتاب و اهمیت زیارت می‌نویسد: «از حوادث روزگار و نوایب چرخ ناپایدار، انواع شداید و کُرّبات و اصناف مَحَن و بَلّیات پیش آمده بود. کربت غم با محنت خوف و شدت مضموم شده و فراق اخوان به إجلائی اوطان قرین گشته و عدم مساعدت حال و فقدان أعوان و آحباب موجب کمال ملال شده... فی‌الجملة از غلبات هُوم و غلوائی عموم در حال خود تحیرِی داشتم و بر لوح دل جهت معالجه دفع این غوم، نقش تفکری می‌نگاشتم. ملهم غیب در خاطر صورت فرموده حضرت سید اول و آخر که: «اذا تحیرتم فی الامور فاستعینوا باصحاب القبور» تصویر کرد و درد بی‌درمان مرا از دواخانه استعانت به

اکابر اصحاب قبور تدبیر فرمود. اندیشه کردم که از اصحاب قبور جماعتی اختیار کنم جهت استعانت، که قبر هر يك ببيت المعمور جهان آخرت و کعبه مقاصد اصحاب حاجت باشد و جمیع طوایف امت متفق باشند در آنکه استعانت از ایشان موجب نجات از غم و سبب حصول حاجات عرب و عجم است و در این... خلافت میان اولین و آخرین نباشد؛ پس این معنی را مقصود و محصور در چهارده معصوم پاک که قبور ایشان همچون صندوق‌های افلاک، زیور خانه خاک است دانستم و وجهه توجه خود را قبیله آستان ایشان ساختم و روی تولای خویش را به جانب ارواح مقدسه ایشان برافروختم و چون تشرف به شرف زیارت و آستانه موسی مرقد مطهر ایشان که همچو کواکب آسمان در اطراف اقطار منتشر است، میسر نبود به صدق تمام و توجه کامل دل را به محبت ولای ایشان مشغوف گردانیدم و زبان را به صلوات و سلام بر آن اجله کرام علیهم صلوات الله و سلام الملك العلام مشغول ساختم و طریق نجات از بلیات و سبیل حصول مقاصد و حاجات در این توجه و ابلاغ صلوات منحصر دیدم... ان شاء الله به برکت ذکر آن اجله سادات که خلاصه کائناتند جمیع مقاصد این غریب از ممکن غیب چهره گشاید و از آینه ضمیر، زنگ غم، کدورت، حزن و الم بزداید». وی در پایان این صلوات آرزو می‌کند: «[زیارت مرقد حضرت رضا] به خیر و عافیت روزی گردد و قرائت این کتاب وسیله خادم الی المخدم در آستانه آن مرقد مطهر جهت دوستان و محبان و موالیان اهل بیت نموده شود؛ چه ولا و تولای آن حضرت شیمه دیرینه این فقیر و محبت و استمداد آن حضرت نقد خزینه سینه این حقیر است؛ و در هر واقعه که این فقیر را پیش آید استمداد از باطن اقدس آن حضرت را طریق نجات می‌دانم؛ و در هر هائله و داهیه، روح مقدس آن حضرت را عون و مددکار می‌خواهم». (ابن روزبهان، 1372: 228 - 229)

فضل الله بن روزبهان، کتاب وسیله خادم الی المخدم در شرح صلوات چهارده معصوم را در روضه مقدسه قرائت کرده، سپس نسخه‌ای از آن را وقف آستان قدس رضوی کرده است تا «به هر وقت محبان و زائران از معتکف و بادی 21 از قرائت و سماع آن تمتع یابند و این حقیر نیز ان شاء الله تعالی در جمله محبان ثناخوان و موالیان درودفرست باشد... و تولیت آن [را] تقویض نمود به عالی‌جناب... محمد الحسینی الموسوی الرضوی... که این کتاب را در هر محل که مصلحت داند حفظ و ضبط فرماید و در اوقات اجتماعات و اطراف نهار، آن را در روضه مقدسه رضویه حاضر گرداند تا مردم از قرائت آن استماع یابند». (همان، 52)

وی در بخشی از صلوات خود بر امام رضا علیه السلام به مناسبت ذکر حدیث «سلسلة الذهب» به این تجربه خویش اشاره می‌کند: «و این فقیر حقیر تجربه کرده‌ام که هر مریض که او را عیادت کرده و اجل او نرسیده بود من به صدق، این اسناد بر او خوانده‌ام؛ حق، او را در روز، شفا کرامت فرموده و اثر صحت فی الحال در او ظاهر شده و این از مجربات فقیر است». (همان، 217. نک: طبسی، 1388: 68 - 80)

او در مهمان‌نامه بخارا، صفحه 342، از همین تجربه یاد می‌کند: «از جمله خواص این حدیث یکی آن است که اگر به صدق آن را با اسناد بر بالین خسته خوانند که مشرف به هلاک باشد اگر در اجل او تأخیر باشد فی الحال اثر صحت 22 بر او ظاهر گردد و این فقیر بر بسیاری از خستگان خوانده‌ام و اثر آن تجربه کرده».

او در سال 912 ه. ق، به زیارت امام رضا علیه السلام مشرف شد و درباره برکات و فضیلت زیارت آن حضرت در مهمان‌نامه بخارا، صفحه 336، چنین می‌نویسد: «و اما زیارت قبر مکرم و مرقد معظم حضرت امام الامة الهدی سلطان الانس و الجن امام علی بن موسی الرضا الکاظم بن جعفر الصادق بن محمد بن الباقر بن علی زین العابدین بن الحسین الشهید بن علی المرتضی - صلوات الله و سلامه علی سیدنا محمد و آله الکرام... موجب حیات دل و جان است؛ مرادات همه عالم از آن درگاه با برکت حاصل و فی الواقع ربع میمونش توان گفت که از اشرف منازل است. آن مقام مبارک تمامی اوقات مقرون به تلاوت کلام مجید است و توان گفت که معبدی است از معابد اسلام. هرگز آن مرقد عالی از طاعت نیازمندان خالی نیست و چگونه چنین نباشد و حال آنکه تربیت حضرت امامی است که اوست مظهر علوم نبوی و وارث صفات مصطفوی و امام برحق و رهنمای مطلق و صاحب زمان امامت خود و وارث نبوت بحق استقامت خود.

هزار دفتر اگر در مناقبش گویند

هنوز ره به کمال علی نشاید برد

وی در قصیده‌ای که در «منقبت امام ثامن، ولی ضامن، امام ابوالحسن علی بن موسی الرضا صلوات الله علیه و سلامه» سروده، آورده است:

امام روضه رضوان علی بن موسی

رضا و راضی و مرضی و مرتضای ز من

همام و هادی و مهدی و هاشمی هیئت

امام و آمر و مشکور و مکه مسکن

بزرگ اهل هدایت به علم و حلم و کرم

حبیب اهل روایت به اتفاق حسن

مرا دلیست به سوی وصال او مایل

مرا رخیست به خاک رهش نهاده ذقن

اگر ز خار ره وصل او کشم خواری

به دیده خار رهش را نهم به جای سمن

چو شمع آتش شوقش مرا برافروزد

تنم بۆد دل مشتاق را به جاي لگن

کسي که ميل بهشتش بۆد در اين عالم

بگو که بوسه ده اين خاك را به روي دهن

مهيمنا به حبيب محمد عربي

به حق شاه ولايت علي عالي فن

به هر دو سبط مبارك، به شاه زين عباد

به حق باقر و صادق، به كاظم احسن

به حق شاه رضا ساكن حظيره قدس

به حق شاه تقی و نقی صبور محن

به حق عسکري و حجت خدا مهدي ج

کزین دوازدهم ده نجات روح و بدن

فداي خاك رضا باد صد روان امين

که اوست چاره درد و شفيع زلت+من

(ابن روزبهان، 337 - 338)

// خواند مير (942 ق)

وي پس از بيان کراماتي از حضرت رضا عليه السلام ، چنين آورده است: «برکات مشهد منور و فيوضات مرقد معطر آن جناب بي شمار و تفصيل آن امور، مقدور خامه شکسته زبان نبوده، لاجرم در طريق اختصار سلوک نمود». (خواندمير، ج 2: 91)

// قزل امام؛ امام طلايي ترکمنها

امام رضا عليه السلام در ميان ترکمنهاي استان گلستان ايران و کشور ترکمنستان، به «قزل امام»، امام طلايي معروف و شهره است. آنان همزمان با سالروز ولادت اين امام فرزانه، در گوشه و کنار استان گلستان و دشت ترکمن صحرا، آيينهاي خاصي برپا ميکنند که ريشه در عشقورزي اين قوم اصیل و پريشینه به خاندان کرامت دارد.

ترکمنها در نامگذاري نوزادان، به استفاده از نام «رضا» علاقه فراواني دارند و تاکنون نوزادان بسياري در بين ترکمنهاي ايراني به اين اسم مزین شدهاند.

آخوند عبدالجبار ميرابي، مدير حوزه علميه اهل سنت گلستان در اين باره ميگويد: «مشهد الرضا، اولين مقصد زيارتي ترکمنهاست؛ به طوري که همواره به قزل امام توسل ميجويند و هر سال به زيارت ايشان ميروند. زوجهاي جوان ترکمن پس از جشن ازدواج براي ماه غسل يا «ثق ماغ» به زيارت بارگاه قزل امام سفر ميکنند. همچنين حجاج و زائران بيت الله الحرام، قبل و بعد از مشرف شدن به مکه، به مشهد ميروند تا ارادتشان را به علي بن موسي الرضا نشان دهند».²³

// امام ضامن؛ نشانه ارادت مسلمانان شبه قاره هند

در شبه قاره هند، امام رضا عليه السلام به «امام ضامن» معروف است. در ميان مسلمانان هند، پاکستان و بنگلادش، رسم است زماني که شخصي عازم سفر ميشود، اقوام و دوستان در هنگام خداحافظي، بازبندي به نام «امام ضامن» بر دست راست او ميبنند.

پس از سرنگوني سلسله قطب شاهيان در حيدرآباد هند در 1098 ق، سلسله آصفجايي به سال 1133 ق، روي کار آمد. آنان با اينکه سني مذهب بودند، ولي نسبت به اهل بيت ارادت و محبت خاصي داشتند. آخرين سلطان اين سلسله، نواب ميرعثمان علي خان، در مدح اهل بيت، اشعار بسياري به زبان فارسي و اردو سروده است.

وي در محوطه کاخ سلطنتي خود در حيدرآباد، ده حسيني به نام انمه اطهار ساخت که يکي از آنها «عاشورخانه امام رضا» نام دارد. در ماههاي محرم و صفر و زادروز امام رضا، مراسمي ویژه در اين حسيني بر پا ميشود.²⁴

- علما و بزرگان اهل سنت و جماعت به - زیارت مرقد مطهر امام علي بن موسي الرضا، از همان آغاز توجه داشته اند و آنان که به این تشرف و توسل مفتخر شده‌اند، برکات و کرامات چندی از آن دریافت‌ه‌اند.

- توجه و تبیین ویژگی‌های فرامذهبی و فرادینی سیره رسول خدا و ائمه اهل بیت علیهم السلام، عامل مهمی برای تقریب مذاهب اسلامی و همیاری پیروان ادیان توحیدی، برای نیل به اهداف مشترک است و آن اصلاح امور زندگی بر پایه عبادت خداوند یکتا و نفی بردگی و بندگی غیر خدا، انجام اعمال صالح و ایمان به آخرت است.

// منابع

* قرآن کریم

- ابن اثیر، مجدالدین مبارک بن محمد. 1412 هـ. ق. تنمة جامع الاصول من احادیث الرسول. بیروت: دار الفکر.
- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی. 1387 هـ. ق. التوحید. تحقیق: سیدهاشم حسینی طهرانی، قم: جماعة المدرسين.
- _____. 1372. عیون اخبار الرضا علیه السلام. ترجمه: علی‌اکبر غفاری و حمیدرضا مستفید، تهران: نشر صدوق.
- ابن حبان بسّی، محمد. 1393 هـ. ق. کتاب الثقات. بیروت: دار الفکر.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی. 1404 هـ. ق. تهذیب التهذیب. بیروت: دار الفکر.
- ابن حجر هیتمی، احمد بن محمد. 2000 م. الجوهر المنظم فی زیارة القبر الشریف النبوی المکرم. به کوشش: م. ز. م. عزب. قاهره: مکتبه مدبولی.
- ابن روزبهان خنجی، فضل‌الله. 1384. مهمان‌نامه بخارا. به اهتمام: منوچهر ستوده، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- _____. 1372. وسیلة الخادم الی المخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم. به کوشش: رسول جعفریان. قم: کتابخانه عمومی آیه‌الله مرعشی نجفیش.
- ابن صباغ مالکی، علی بن محمد. 1385 / 1427 هـ. ق. الفصول المهمة فی معرفة الائمة. تحقیق: سید جعفر حسینی. قم: المجمع العالمی لأهل البيت علیهم السلام.
- ابن طلحه، ابوسالم کمال‌الدین محمد. 1419 هـ. ق / 1999 م. مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول. بیروت: مؤسسة البلاغ.
- ابن نجار بغدادی، محمد بن محمود. 1417 هـ. ق / 1997 م. ذیل تاریخ بغداد. تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا. دارالکتب العلمیه.
- ابونعیم اصبهانی، أحمد بن عبدالله. 1934 م. ذکر اخبار اصبهان، بري.
- بحرانی، سید هاشم. 1414 هـ. ق. مدینه المعاجز. تحقیق: عزه‌الله مولانی همدانی. مؤسسة المعارف الاسلامیه.
- بدیع، منتجب الدین (آتابک جویی). 1348. عتبة الکتابه (مجموعه مراسلات دیوان سلطان سنجر). تصحیح: محمد قزوینی و اقبال آشتیانی. تهران: اساطیر.
- بیهقی، احمد بن حسین. دلائل النبوه. به کوشش: عبدالمعطي قلجی. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- پاکتچی، احمد «ابوحنیفه». 1372. دائرة المعارف بزرگ اسلامی (جلد 5). تهران.
- جزیری، عبدالرحمن. 1986 م. الفقه علی المذاهب الاربعه. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- جعفریان، رسول. 1378. «شماری از زائران سنی امام رضا علیه السلام تا قرن ششم». زائر، شماره 55 - 56. سال پنجم.
- جهانبین، نستوه و محمد تقی. 1384. دانشنامه جهان اسلام (جلد 9). تهران.
- جویی خراسانی، ابراهیم بن سعدالدین محمد. 1400 هـ. ق / 1980 م. فراند السمطین فی فضائل المرتضی و البتول و السبطین و الائمة من ذریئهم، تحقیق: محمداقبر محمودی. بیروت: مؤسسة المحمودی للطباعة و النشر.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله. 1375. تاریخ نیشابور. ترجمه: محمد بن حسین خلیفه نیشابوری. تصحیح: محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: آگاه.
- حسینی، علی بن ناصر بن علی. 1404 هـ. ق / 1984 م. اخبار الدولة السلجوقیه. به کوشش: محمد اقبال. بیروت: دارالافاق الجدیدة.
- خطیب بغدادی، احمد. 1417 هـ. ق. تاریخ بغداد (مدینه السلام). تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا. دارالکتب العلمیه.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین حسینی. 1353. تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد البشر. تصحیح: محمد دبیر سیاقی. تهران: کتابفروشی خیام.
- دلائل الامامة. 1383. نجف: المطبعة الحیدریه.
- رفیعی، علی «ابن حبان». 1374. دائرة المعارف بزرگ اسلامی (ج 3). تهران.
- _____. «ابن راهویه». 1374. دائرة المعارف بزرگ اسلامی (ج 3). تهران.
- سبط ابن جوزی، یوسف بن فرغلی. 1401 هـ. ق / 1981 م. تذکرة الخواص. بیروت: مؤسسة اهل البيت علیهم السلام.
- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم. 1385. دیوان. به اهتمام: محمدتقی مدرس رضوی. تهران: سنایی.
- سبکی، عبدالوهاب. بی‌تا. طبقات الشافعیة الکبری. قاهره: داراحیاء الکتب العربیه.
- سمهودی، علی. 1415 هـ. ق. وفاء الوفا باخبار دار المصطفی. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- شهید اول، محمد بن مکی عاملی. بی‌تا. الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه. بی‌جا: مؤسسة النشر الاسلامی.
- صفار، محمد بن حسن، 1362. بصائر الدرجات الکبری. تحقیق: میرزاحسن کوچه باغی، طهران: مؤسسة الاعلمی.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، بی‌تا. المعجم الاوسط، تحقیق: ابراهیم الحسینی، دارالحرمین.
- _____. بی‌تا. المعجم الصغیر. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- طیبی، محمدمحسن. 1388. حدیث سلسله الذهب از دیدگاه اهل سنت، قم: دلیل ما.
- عطایی، محمدرضا. 1388. امام رضا علیه السلام در آثار دانشمندان اهل سنت. مشهد: آستان قدس رضوی.
- کلاویخو، گونزالس. 1366. سفرنامه کلاویخو. ترجمه: مسعود رجب‌نیا. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. 1367 هـ. ق. الکافی. تحقیق: علی‌اکبر غفاری. دارالکتب الاسلامیه.
- قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبة‌الله. الخرائج و الجرائح، مؤسسة الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف.
- مجلسی، محمداقبر. 1403 هـ. ق / 1983 م. بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار. بیروت: مؤسسة الوفاء.
- محسنی، محمداصف. 1387. تقریب مذاهب از نظر تا عمل. قم: نشر ادیان.
- مدرس تبریزی، محمدعلی، 1374. ریحانة الادب در شرح احوال و آثار علماء، عرفاء، فقهاء، شعرا و خطاطین. تهران: خیام.
- مقدسی، محمد بن احمد. 1361. احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه: علینقی منزوی. شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.

منزوي، علینقی. 1374. «احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی (جلد 3). تهران.

میرخواند، محمد بن خاوندشاه بن محمود. 1380. تاریخ روضه الصفا فی سیره الانبیاء و الملوك والخلفاء. تصحیح: جمشید کیانفر. تهران: اساطیر.

ناجی، محمدرضا. 1387. امام رضا علیه السلام، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

_____، 1378. تاریخ و تمدن اسلامی در قلمرو سامانیان. بی‌جا: مجمع علمی تمدن. تاریخ و فرهنگ سامانیان.

واعظزاده خراسانی، محمد. 1382. «راه‌های تقریب مذاهب و وحدت مسلمانان». مطالعات اسلامی. شماره 60.

_____، 1379/ 1421 هـ. ق. زندگی آیت‌الله العظمی بروجردی و مکتب فقهی، اصولی، حدیثی و رجال وی، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی. تهران.

هاشمی شافعی، سید محمد طاهر. 1378. مناقب اهل بیت علیهم السلام از دیدگاه اهل سنت، به اهتمام: سید ناصر حسینی میبدی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی. مشهد: آستان قدس رضوی.

همای، جلال‌الدین، 1342. غزالی‌نامه، تهران: کتابفروشی فروغی. تهران.

1. برای هر [دین و مذهب و گروهی] از شما آیین و روشی مقرر کردیم و اگر خدا می‌خواست شما را امتی واحد [پیرو یک دین و مذهب و آیین] قرار می‌داد، ولی می‌خواهد در آنچه به شما داده است، شما را بیازماید. از این رو، در [انجام دادن و به دست آوردن] نیکی‌ها [بر یکدیگر] سبقت بگیرد؛ بازگشت همه شما به پیشگاه خداست و شما را از علل و موارد اختلافان آگاه می‌سازد (مانند: 48؛ نیز نک: شورا: 8؛ نحل: 93؛ هود: 118). 2. از منظر خلافت و جانشینی رسول خدا و دیدگاه مسلمانان نسبت به چهار خلیفه اول (خلفای راشدین)، مسلمانان به سه گروه «اهل سنت و جماعت»، «شیعیان» و «خوارج» تقسیم شده‌اند که هر یک از آنها از نظر فقهی چند شاخه‌اند؛ اهل سنت و جماعت از نظر فقهی به چهار مذهب: حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی تفکیک می‌شوند. شیعیان نیز به سه دسته امامیه (دوازده امامی)، زیدیه و اسماعیلیه تقسیم شده‌اند. از آرقه و اباضیه نیز دو گروه خوارجند که اکنون مذهب اباضی در عمان و شمال آفریقا پیروانی دارد. (برای مطالعه بیشتر نک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ذیل همین عناوین مراجعه کنید). 3. از جمله محمد بن اسلم طوسی (242 ق) (حاکم نیشابوری، 208)، یاسین بن نصر، احمد بن حرب، یحیی بن یحیی (ابونعیم اصفهانی، 1934، ج 1: 138)؛ محمد بن رافع و احمد بن حارث (ابن بابویه، 1372: ج 2: 296). 4. سرآمد دوستان و یاران خدا. 5. دلیل پارسایان و حجت حافظان حدود الهی. 6. جایگاه فرود و دریافت اسرار پروردگار عالمیان. 7. دوست و یاور خدا؛ به خدا پیوسته. 8. برگزیده خدا؛ کسی که زندگی‌اش خالص برای خدا بود. 9. جگرگوشه و پاره تن رسول خدا. 10. فریادرس و پناهگاه مردم و اندوخته دای دل‌تنگی‌ها. 11. ابراهیم بن سعدالدین محمد جوینی خراسانی یا حموی، شیخ الاسلام، حافظ و محدث اهل سنت است که از بزرگان شیعه امامیه مانند محقق اول، ابن‌طاووس، خواجه نصیر طوسی و شیخ یوسف بن مطهر پدر علامه حلی نیز روایت کرده است. مدرس تبریزی می‌نویسد: «گویا به همین جهت و یا به استناد پارهای احادیث مرویه در کتاب اوست که صاحب ریاض العلماء و بعضی دیگر به شیعه بودنش معتقد بوده‌اند... شیخ ابراهیم، تألیف سودمند بسیاری دارد که بین‌الفریقین مشهور و اشهر همه کتاب فرائد السمطين فی فضائل المرتضى و البتول و السبطین و الانمة من درینهم است... او در سال 722 ق در هفتاد و هشت سالگی در عراق درگذشت». (مدرس تبریزی، 1374: ج 2: 76). 12. متکلم و فقیه شافعی. وی احتمالاً در فاصله سال‌های 850 تا 862 ق در شیراز متولد شده و پس از تحصیل مقدماتی در زادگاهش، چند سال در مدینه نزد استادان بنامی، چون امام محمد سخاوی و علی بن ابی‌عبدالله فرجی تحصیل کرده است. وی در جمادی‌الثانی سال 909 ق در شهر کاشان، کتاب ابطال نهج الباطل و افعال کشف العاقل را در رد بر کتاب نهج الحق و کشف الصدق علامه حلی (726 ق) نگاشت و در رجب همان سال، وسیله الخادم الی المخدم در شرح صلوات چهارده معصوم را تألیف کرد. قاضی نورالله شوشتری (1019 ق) احقاق الحق و ازهاق الباطل و علامه محمدحسن مظفر (1376 ق)، دلائل الصدق را در رد ابطال نهج الباطل ابن‌روزبهان نوشته‌اند. (نک: ابن‌روزبهان، 1372: 7-45). 13. اشاره ابن به حدیث نبوی است: «سَتَقْفَنَ بَضْعَةَ مَنِّي بِخُرَاسَانَ مَا زَاَهَا مَكْرُوبٌ إِلَّا نَفْسُ اللَّهِ كَرْبَتَهُ وَ لَا مُنْتَبِ إِلَّا غَفَرُ اللَّهِ ذُنُوبَهُ» (ابن‌بابویه، ج 2: 635؛ جوینی خراسانی، ج 2: 190). 14. محمد بن اسحاق سلمی، ملقب به امام الانمة، محدث و فقیه نیشابوری. وی در زادگاه خود از ابن‌راهویه (238 ق) درس آموخت و برای کسب دانش حدیث و فقه به مرو، ری، بغداد، کوفه، بصره، عیدان (آبادان)، شام، قاهره، اسکندریه و حجاز سفر کرد. عده‌ای از مشایخ روایی صاحبان صحاح سته (صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابوداود، سنن ترمذی، سنن نسائی، سنن ابن‌ماجه) از مشایخ روایی او نیز بوده، و حتی بخاری و مسلم از وی روایت کرده‌اند. از شاگردان و روایان ابن‌خریمه می‌توان از ابن‌جَبَّان بستّی، ابوعلی نیشابوری، ابوحامد بن شرقي، ابوبکر احمد بن مهران مقرئ نیشابوری و علی بن حسین بن بابویه قمی یاد کرد. وی فقهی مجتهد بوده که بر اساس کتاب و سنت و دیگر ادله حکم می‌کرده است. فقه او قرابت بسیار به فقه شافعی دارد، ولی در موارد متعددی بر خلاف امام شافعی و حتی اتفاق فقهایی اربعه (ابوحنفیه، مالک، شافعی و احمد بن حنبل) فتوا داده است. او با فقه امامیه و خارجی (خوارج) نیز آشنایی داشته است. (ابن‌خریمه، ج 3: 416). 15. محمد بن عبدالوهاب، محدث، متکلم، عارف و فقیه شافعی، وی در بغداد، ری و نیشابور به تحصیل حدیث پرداخت و در مسائل کلامی با استاد خود ابن‌خریمه هم‌رای نبود و برخی مسائل کلامی را بر خلاف عقاید رایج مردم بیان می‌کرد و همین امر باعث شد تا در پایان عمر خانه‌نشین و متحمل سختی‌های فراوان شود. مجلس وعظ او گیرا بود که آن را ناشی از سحرخیزی و خلوت شبانه او می‌دانستند. جنازه وی پس از تشییع باشکوهی در 328 ق، در نیشابور به خاک سپرده شد. (جهان‌بین، 1384: 93). 16. ابوحاتم محمد بن حنّان در بَست (شهری قدیمی در جنوب شرقی افغانستان کنونی) مقدمات علوم را فراگرفت. در سال 300 ق به نیشابور رفت و برای جست‌وجو و تکمیل دانش حدیث به بسیاری از شهرهای خراسان، ماوراءالنهر، عراق، حجاز، شام و مصر سفر کرد. مشایخ او به گفته خودش بیش از دو هزار تن بوده‌اند. وی پس از سفری طولانی در 334 ق به نیشابور بازگشت و جمع بسیاری از او نقل حدیث کردند. (رفیعی، 1374: ج 3: 303). 17. شمس‌الدین ابو عبدالله محمد بن احمد مقدسی، جغرافیدان و سیاح مسلمان و صاحب احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم که تألیف آن را با موضوع جغرافیای کشورهای اسلامی، در 375 ق به پایان برده است. وی به فلسطین، شام، جزیره العرب عراق و ایران سفر کرده است. او در این اثر به جغرافیای طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، انسان‌شناسی و اعتقادات مردم پرداخته است. (منزوی، ج 6: 668). 18. سپهسالار مشهور خراسان در دوره سامانی و حاکم طوس، در سال 346 ق، به فرمان او وزیرش ابومنصور معمری مأمور گردآوری اخبار و روایات باستانی ایران شد. به این ترتیب، شاهنامه ابومنصور به نثر تدوین شد که اینک تنها مقدمه آن بر جای مانده است. دقیقاً به نظم آن پرداخت، ولی ناتمام ماند و همان مهم‌ترین منبعی شد که فردوسی بر اساس آن شاهنامه‌اش را پدید آورد. (خطیبی، 1373: ج 6: 290-293). 19. ظاهرأ همین واقعه سبب شهرت لقب «ضامن‌آهو» برای امام رضا شده است. البته ممکن است این لقب از آنچه برای پیامبر اکرم 9 نیز روایت کرده‌اند، سرچشمه گرفته باشد. طبرانی (360 ق) به نقل از انس بن مالک (193 ق)، صحابی کثیر الحدیث آورده است: «روزی رسول خدا 9 آهویی در بند را نزد گروهی دیدند. آهو به رسول خدا گفت: به تازگی دو بچه آهو به دنیا آورده‌ام. از این گروه برای من اجازه بگیرد تا بروم بچه‌هایم را شیر دهم، سپس به سوی آنان بروم خواهم گشت. رسول خدا 9 به آن افراد فرمودند: آهو را آزاد کنید تا برود بچه‌های خود را شیر دهد. گفتند: در قبال چه چیزی آن را آزاد کنیم؟ آن حضرت فرمودند: من پس آهو را آزاد کردند. آهو رفت و پس از شیر دادن بچه‌هایش برگشت. آهو را دوباره به بند کشیدند. رسول خدا 9 از آنان خرید آهو را درخواست کردند. گفتند: آهو از آن شما. رسول خدا آهو را آزاد کردند». (طبرانی، ج 5: 358). این گزارش با اندکی تفاوت به نقل از اسمله المأمونین، جابر بن عبدالله و ابوسعید خدری نیز روایت شده است. نک: همان، ج 23: 331؛ بیهقی، ج 6: 34-35؛ قطب‌الدین راوندی، ج 2: 523). برای امام سجاد (صفار، 1362: 370-373؛ دلائل الامامة، 1383: 202 و 206) و امام صادق 7 نیز شبیه این داستان ذکر شده است. (بحرانی، 1414، ج 6: 60). 20. سلطان ملک‌شاه سلجوقی (حکومت: 465-485 ق) و وزیرش نظام‌الملک

جوینی به زیارت امام رضا 7 مشرف شده اند. (حسینی، 1404: 74) 21. در مقابل معنکف، کسی که زیارت او کوتاه و گذراست. 22. در متن تصحیح شده به اهتمام آقای منوچهر ستوده (1384ش، ص 342) «صمت» آمده که با سیاق کلام ناهماهنگ است. 23. «قرل امام؛ امام طلایی ترکمن‌ها»، 24. 27/7/1389، <http://www.shomalnews.com/view/34643>، ضابط، 57 - 63.